



سپس به ایشان گفت: «کیست از شما که دوستی داشته باشد، و نیمه شب نزد وی برود و بگوید: "ای دوست، سه عدد نان به من قرض بده، 6 زیرا یکی از دوستانم از سفر رسیده، و چیزی ندارم تا پیش او بگذارم، 7" و او از درون خانه جواب دهد: "زحمت مده. در قفل است، و فرزندانم با من در بسترند. نمی توانم از جای برخیزم و چیزی به تو بدهم 8". به شما می گویم، هر چند به خاطر دوستی برنخیزد و به او نان ندهد، به خاطر آبرو بر خواهد خاست و هر آنچه نیاز دارد به او خواهد داد.

«9 پس به شما می گویم، بخواهید که به شما داده خواهد شد؛ بجوید که خواهید یافت؛ بکوبید که در به رویتان گشوده خواهد شد 10. زیرا هر که بخواهد، به دست آورد؛ و هر که بجوید، یابد؛ و هر که بکوبد، در به رویش گشوده شود 11. کدامیک از شما پدران، اگر پسرش از او ماهی بخواهد، ماری بدو می بخشد؟ 12 یا اگر تخم مرغ بخواهد، عقری به او عطا می کند؟ 13 حال اگر شما با همه بدسیرتی تان می دانید که باید به فرزندان خود هدایای نیکو بدهید، چقدر بیشتر پدر آسمانی شما روح القدس را به هر که از او بخواهد، عطا خواهد فرمود».

هرکسی که قیمت مواد غذایی را در هفته ها ی گذشته توجه کرده باشد، شوکه می شود. افزایش قیمت غذا شدید است. همه چیز گرانتر شده است. به همین دلیل ما باید الان بیشتر پسانداز کنیم. شاید باید به کمتر تَجَمُّلی راضی باشیم. در برخی از کشورهای دیگر، مردم ها حتی چنین فرصتی ندارند تا چیز را کنار قرار دهند. قبلاً هیچی نداشتند و حالا مردم باید آخرین خرده های را در قابلمه ها جمع کنند، یا آنها مجبور هستند فرار کنند یا حتی کلیه خودشان را بفروشند تا بچه ها زنده بمانند. در حال حاضر دوباره شاهد قحطی هستیم که در سرتا سر جهان گسترش است! در روزهای اخیر، ثروتمندترین کشورها برای بحث در مورد همین موضوع متحد شده اند. پیشنهادات و ایده های زیادی وجود دارند. امکان است که قحطی را جلو گیری کنند. اگر همه با هم کار کنند، ممکن است راه حالی را پیدا کنند. و این خوب است! خداوند ما را به گونه ای آفریده است تا بتوانیم راه حل های خلاقانه را کشف کنیم. از این رو می توانیم خودمان را تغذیه کنیم و احتمالاً از دیگران نیز مراقبت کنیم. در این بین، ما حتی ماشین های بسیار هوشمندانه ای را کشف کرده ایم که می توانند کاری برای ما انجام دهند. ما آنقدر در این کار خوب شده ایم که حتی می توانیم قوانین طبیعت را دستکاری کنیم تا آنها برای ما مناسب باشند و حتی بتوانیم از آن رو مردم بیشتری را تغذیه کنیم. با این حال، به راحتی ممکن است این اتفاق بیفتد که ما انسان ها فراموش کنیم که خودمان جزئی از همین طبیعت هستیم. ما خدا نیستیم بلکه مخلوق هستیم. در این بین آنقدر با کار و عملکردمان در زندگی عادت کرده ایم که با اشتباه فکر می کنیم همه چیز را تحت اداره خودمان داریم. ما حتی غذای خود را به صورت آنلاین سفارش می دهیم. و اگر نه، یک مغازه در گوشه ای وجود دارد که همیشه می توانیم چیزی لازم بخریم. با این حال، زندگی ما را نمی توان تنها از طریق تلاش و عملکرد خودمان حال شود! ما به کمک نیاز داریم! ما نیز تابع قوانین طبیعت هستیم. از آنجایی که ما تابع قوانین طبیعت هستیم، از همان محدودیت ها رنج می بریم. زمان ها و وقایعی وجود دارد که ما دیگر نمی توانیم آنها را کنترل کنیم. مواقعی هست که گم شده ایم و باید بمیریم. در چنین روزهایی متوجه می شویم که همه تلاش ما کافی نیستند. همچنین اختراع ماشین های هوشمند کافی نیستند. در نهایت ما گداهای بیچاره می مانیم! و در متن موعظه امروز، عیسی ما را تشویق به انجام این کار می کند! ما اجازه داریم التماس کنیم! حتی باید التماس کنیم. در ایه های امروز خطبه ما، عیسی می خواهد به ما این جرات را بدهد تا ما همین کار را کنیم. و برای همین عیسی از زمان عهد جدید مثالی را برای ما عنوان کرد. در زمان اسرئیل قدیم، آدم نمی توانست به آسانی به مرکز خریدی برود و یک تکه نان بخرد. برای همین یک رابطه ای مابین همسایه ها وجود داشت تا بتوانند از همدیگر نان غرض بگیرند. حتی اگر آن شخص همسایه خودش را بسیار آزار می داد. در مثال عیسی، همسایه آنقدر آزاردهنده بود که سرانجام دقیقاً به هدفش رسید. این یک مثال شگفت انگیز است که به ما توضیح می دهد که ما انسان ها نمی توانیم همه چیز را کنترل کنیم. نه، ما به افراد دیگری برای کمک نیاز داریم. و بالاتر از همه، ما به خدا نیاز داریم. از طریق این مثال، عیسی می خواهد به ما نشان دهد که در یک مقطع زمانی همه ما باید پیش قابلمه خالی رودررو می شویم. وقتی در این موقعیت قرار می گیریم، یک چیز مهمتر از همه است: ما باید دعا کنیم. خدا حتی از ما می خواهد که دعا کنیم. او

نه تنها از ما می خواهد که در مواقع ضروری دعا کنیم، بلکه همیشه! خدا می خواهد که ما فقط از او خواهش کنیم. او این را می خواهد زیرا او دوست دارد تا ما را از آن جایگاه بی ایمانی خلاصی دهد. بنابراین هرکسی که دعا می کند ایمان دارد. کسی که از خدا چیزهای زیادی را بخواد ایمان قویتری هم دارد. با دعاهايمان احساس آزادی می یابیم. زیرا ما بدون دعا، تنها باقی می مانیم. بدون دعا کردن، ما باید بیشتر کار کنیم و بیشتر زحمت بکشیم تا بتوانیم به هدف های خودمان برسیم. و وقتی که ناکام هستیم فقط ناامید و عصبانی می شویم و از دیگران که در ناامیدی ما سهمی را ادا کردند ناراحت می شویم. یا شاید این ها را تقصیر خود مان بدانیم و برای همین غمگین شویم. ما با دعا کردن می توانیم از دام شیطان بیرون آییم. ما می توانیم همه چیزمان را در مقابل خداوند قرار دهیم و اینگونه می توانیم عیب گذشته مان را فراموش کنیم و همه چیز را از اول آغاز کنیم. و همچنین ما در هر حالتی از زندگی اکنونی، این را می دانیم که خدا برای ما یک چیز خوبی را در انتها نقشه می کند. مثال از فرد که از طریق کوبدن در مزاحم همسایه شد می توان گفت که بخاطر از اردهنده خودش موافق شد. حال یک سوالی پیش می آید که چرا خدا بایستی دعاهاى ما را اجابت کند؟ ایا به این دلیل که ما او را در بهشت اذیت کنیم و مزاحم او باشیم؟ نه، در اینجا موضوع فرق می کند زیرا خدا از دعاهاى ما ناراحت نمی شود. بر عکس او دوست دارد که التماس می کنیم. در این مرحله، ما باید یک نکته اساسی را روشن کنیم. وقتی دعا می کنیم، ما نباید خدا را متقاعد کنیم تا ماشین جدید یا پول زیادی به ما بدهد. و ما نباید حدس زنی که دلیل سکوت خدا این است که به اندازه کافی دعا نکرده ایم! نه، وقتی دعا می کنیم خدا اراده خود را با اراده انسانی تطبیق نمی دهد. نه، برعکس درست است. وقتی دعا می کنیم اراده انسانی تغییر می کند. امکان است که ما از طریق دعا به اراده خودمان نرسیم. یک مثال: وقتی یوسف توسط برادرانش به چاه انداخته شده بود، به نظر انسانی، شرایط کاملاً ناامیدکننده ای داشت. داخل آن چاه سرد برای او دیگر امیدی نبود. زندگی اش تمام شده بود. اما در همین چاه عمیق، یوسف هنوز می توانست بداند که خدا برنامه ای برای او داشت. و حتی در شرایط بسیار خطرناک و ناامید کننده در چاه سرد، او توانست ایمان خود را حفظ کند. حتی وقتی او را به عنوان برده به مصر آوردند. یوسف سالها رنج کشید - همه اینها بدون اجابت از جانب خدا تحمل می کرد. اما یوسف به نقشه خدا ایمان داشت. فقط در پایان، مشخص شد که خداوند نقشه بزرگی را برای یوسف در نظر گرفته بود. وقتی یوسف در چاه سرد و مرطوب نشست، هیچ یک از این موارد قابل مشاهده نبود. برای ما انسانها دعا کردن اغلب مثل داستان یوسف است. وقتی مشکل داریم، فقط نیاز مان را می بینیم و راه چاره ای نمی بینیم. خدا می خواهد چشمانمان را باز کند و می خواهد که ما برنامه ای را که برای ما در نظر گرفته است، ببینیم. حتی اگر بلافاصله نتوانیم این طرح را ببینیم. برای درک کردن نقشه خدا، عیسی از یک مثال شگفت انگیز استفاده می کند: وقتی کودک از پدر خود تخم مرغ می خواهد، مار یا عقرب به دست او نمی دهد، اینطور نیست؟ نه، این غیرممکن است! هر فرد عادی می گوید، پدری مانند آن باید به زندان بیفتد. "دقیقاً!" .. عیسی در جواب می گوید. و اگر حتی نمی توان از پدر زمینی انتظار چنین کار بدی را داشت، چه برسد که پدر آسمانی ما چنین کاری را انجام دهد؟ عیسی می خواهد برای ما روشن کند که خدا واقعاً پدر ماست! اگر عیسی مسیح نبود، نمی توانستیم اینقدر واضح بگوییم. اما الان می دانیم که عیسی دقیقاً نزد ما آمد تا بتوانیم دوباره فرزندان خدا خوانده شویم. و دقیقاً به همین دلیل عیسی بر روی صلیب مرد. به خاطر عیسی ما فرزندان خدا هستیم! و دقیقاً به خاطر عیسی است که می توانیم به درگاه خداوند دعا کنیم و بگوییم: ابا پدر! عیسی می خواهد ایمان ما را تقویت کند. او این را می خواهد زیرا این اتفاق خیلی سریع برای ما انسان ها می افتد که ایمان به برنامه خوب خدا را از دست می دهیم. ولی عیسی در اینجا توضیح می دهد که خداوند به چه میزان روح القدس خود را به کسانی که از او خواهش می کنند روانه می کند. ولی بعضی اوقات ما از آن هدیه خشنود نمی شویم زیرا چیزی دیگری خواسته بودیم. در عوض خداوند به من روح خودش را هدیه می دهد. بلکه امکان دارد که خواست ما در برخی از اوقات مغایر هدایای خداوند باشد. و ما هم همانند کودکی که در اسباب فروشی قرار دارد بگوییم و فریاد بزنیم که نه من دوست دارم چیز دیگری داشته باشم. ولی در اصل خداوند چیز بیشتری به ما می دهد نسبت به آن چیزی که ما از او درخواست می کنیم و آن هم همان اتحاد مابین خودمان و او است. خداوند یک چیز باارزش دیگری را می بیند چیزی که چشم های ما آن را نمی توانند ببینند. او با هم بودنی را که در بین ما هست در ما قرار می دهد. و این تا ابد با ما خواهد بود. خداوند همیشه به ما بیشتر از آن چیزی که درخواست می کنیم و یا تصور می کنیم می دهد. ما در گذشته خیلی چیزهای مهمی در زندگی داشتیم که الان دیگر برای ما بی مفهوم شده اند. او همیشه منتظر این است که ما از او خواهش کنیم تا بهترین ها را به ما بدهد. او در بهشت نشسته است و آماده ی باز کردن درهای رحمت به سوی ما انسان ها است. او فقط منتظر این کلمه از ما است: ای پدر آسمانی خواهش می کنم! آمین